

رشیدالدین فضل الله و یزد

ارتباط یک وزیر مدبر صاحب سیاست دانشمند که ضمناً علاقه مفراط به جمع مال و منال دنیوی داشت با یک شهر دور افتاده کویری که چهل روزه راه از مقر وزارت آن وزیر دور بود و در تحت تسلط اتابکان قابل محلی بود، عبارت بود از اینکه دختر اتابک سلطان گونه شهر را برای پسر خویش نامزد کرد. یکی از دخترانش به ازدواج سیدی بسیار متمکن و با نفوذ از مردم یزد درآمد. رشیدانه ضیاع و عقار بسیار در آن شهر به هم زد، چندان که طبق نقل وقفنامه^۱ او عده‌ای از آبادی های بزرگ و مهم آنجا تماماً ملک او بود و به تصرف و نافع خود داده بود. عمارات و بناهای مهم در آن شهر بر پاساخت و جمله آنها را به تصرف وقف داد، بدان امید که نامش در روزگار پایدار بماند. از محاسب شهرگواهنامه^۲ دلخواه گرفت. چند تن از فضیلت آن صفحات را به حوزه علمی خود به تبریز کشانید. در آبادان ساختن دیه فتح آباد تبریز از بزرگان و زارعان کار آمد و پرکار یزدی و گاووان زرردار آنجا مدد گرفت. . . .

تفصیل مستند این موارد مبتنی است بر وقفنامه^۳ سید رکن الدین و سید شمس الدین یزدی موسوم به جامع الخیرات تألیف سال ۷۳۲ هجری، تاریخ یزد جعفری، تاریخ جدید یزد کاتب، جامع میدی مستوفی بافقی، مکاتبات واقعی یا مجعول منسوب به رشیدالدین . . .

سفر خواجه به یزد

و آشنائی با خاندان شرف‌الدین علی طبیب

در تواریخ یزد به اشاره آمده است که خواجه رشیدالدین در اوائل زندگی ضمن سفرهایی که در طلب علم طب می‌کرد به یزد نیز وارد شد^۱ و با شرف‌الدین علی پسر رضی‌الدین طبیب که همه قبیله^۲ آنها پشت در پشت طبیب بودند آشنائی پیدا کرد. شرف‌الدین از بزرگان وقت یزد بود و به انواع رعایت و ادب جانب‌خواجه را نگاه داشت. نوشته‌اند هر کتاب که خواجه طلب کرد بدو داد.^۳ علت ایجاد ابنیه و آثاری را که رشیدالدین بانی آنها در یزد بود همین رابطه و علقه نوشته‌اند. ازین سفر رشیدالدین در دیگر مراجع تاکنون ذکری ندیده‌ام.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آثار و اوقاف رشیدی در یزد

رشیدالدین موقوفات زیادی در شهرهای ایران داشت، و از جمله در یزد. بنحوی که اخیراً خود در نسخه^۴ منحصر و نفیس اصل و قفنامه^۵ رشیدالدین دیده‌ام اوقاف و در یزد متعدد و حیرت‌آور است.^۶ اگرچه اکنون هیچ نوع اثری از آن موقوفات به جای نمانده اخباری مفید از آنها در مراجع دیگر (بجز رقفنامه) آمده است که کیفیت و موقع جغرافیائی آنها را از تاریکی محض خارج می‌سازد.

آنقدر که از مراجع مذکور در قبل برمی‌آید ابنیه^۷ رشیدی در خاک یزد عبارت بوده اسن از خانقاه و مدرسه، و قضیه^۸ بنای این مجموعه

را در تواریخ چنین نوشته‌اند که خواجه رشید به منظور جواب احسانی که از مولانا شرف الدین علی طبیب در سفر خود به یزد دیده بود دستور فرمود تا بقعه‌ای برای او بسازند. اما وقتی حکم خواجه رسید که مولانا در گذشته بود. پس مجدالدین حسین و شمس الدین ابوبکر فرزندان مولانا از وجوه مرحمتی رشیدالدین، در مقابل مدرسه محمود شاهی، بنای مدرسه و خانقاه گذاشتند و مناری بین خانقاه و مدرسه برپا داشتند. بازاری هم کنار مدرسه به وجود آوردند که بازار کاغذیان نام داشت. نیز کاروانسرائی مقابل مدرسه^۶ وردانروز ایجاد کردند.

متأسفانه از این آثار قدیم خشتی هم اکنون برجای نیست. اخباری که از آنها قابل نقل است و محل وقوع آنها را به ما معرفی می‌کند عبارت است از این که

۱- کاروانسرا از یک طرف مقابل مدرسه^۶ وردانروز و از طرفی مقابل مسجد جمعه واقع بود^۷. انجامدتها بازار سمسارانی بود که قماش می‌فروختند. چون در عهد امیر چقماق حاکم عصر شاهرخ تیموری ویران شده بود، امیر چقماق آن را به اجاره^۸ طویل (و بقول جامع مفیدی ۱: ۱۷۵ به اجاره^۹ نود ساله) از متولیان بستد و از بن بکند و حمامی بر جای آن ساخت. *تال جامع علوم انسانی*

۲- خانقاه و مدرسه: از آنها در جامع الخیرات، یعنی وقفنامه^{۱۰} سیدرکن الدین (همعصر رشیدالدین) به عنوان «خانقاه المخدومیة الرشیدیة» و «مدرسة المخدومیة الرشیدیة» ذکر شده و دو بنای مستقل بوده و نزدیک مدرسه^{۱۱} رکنیه واقع بوده است. ^۷ مدرسه^{۱۲} رکنیه همین بنائی است که اکنون بنام «سیدرکن الدین» شناخته میشود. بقعه‌ای است که گنبد رفیع و تزئینات عالی دارد و محل زیارت و جنب مسجد جامع شهر است. بنا بر عبارتی که در «تاریخ یزد» آمده و مسیر آب تفت را که به شهر می‌آمده

بر شمرده است محل واقعی و دقیق مدرسه و خانقاه رشیدی قابل تشخیص است. صاحب تاریخ یزد می نویسد که « یک نهر آب به شهر می رود و به دارالشفاء و مسجد و رشیدیه و رکنیه می گذرد ».^۸

در « جامع مفیدی » مندرج است که رشیدیه متصل « وقت و ساعت » بوده، یعنی مؤید گفته جعفری مؤلف تاریخ یزد است. هم امروز وقت و ساعت میدانی است از آثار سید رکن الدین و متصل به بقعه او. پس مدرسه رشیدیه بین رکنیه و مسجد جامع واقع بوده و محل آن اکنون به خانه های چند تبدیل شده است.

۳- بازار در مدرسه که به بازار کاغذیان شهرت داشته نیز از آثار رشیدالدین بوده است.^۹

۴- مناری که میان خانقاه و مدرسه بر پا شده بود.^{۱۰}

۵- بقعه سریزد که منحصرأ در جامع مفیدی ذکر آن آمده است بدین عبارت: « همچنین مقرر فرمود که در قریه سریزد (یعنی در پنج فرسخی یزد) بقعه ای در کمال تکلف ساختند و بسیاری از حقابه و اراضی محل مزبور و سایر محال بر آن وقف فرمود. »^{۱۱}

پرتال جامع علوم انسانی

اما اوقاف دیگر آن وزیر نامدار در یزد که نام جزء به جزء آنها در وقفنامه آمده و باید منتظر انتشار آن او بود طبق مراجع دیگر به شرح زیر بوده است:

۱- املاکی در مهریز که سید رکن الدین در جامع الخیرات از آنها بطور استطراد « املاك المخدومیة الرشیدیة » نام برده است.^{۱۲}

۲- مزارع متعددی که برای مدرسه و خانقاه بطور اولادی و خیراتی وقف کرده بود^{۱۳} و در ۱۰۸۲ یعنی سال تألیف جامع مفیدی بکلی معدوم بوده است.^{۱۴}

مقدار این املاك به انضمام آنچه در طبس و جندق داشته طبق

نامه^{۱۵} منسوب به او به صدر الدین محمد تر که پنجاه فدان بوده است. ۳- از جمله مصارفی که برای عوائد اوقاف خود در یزد معین کرده بود تهیه^{۱۶} یک دست ثياب برای نجم الدین محمود طیب مشهور شیرازی است، از هر قماش که دلخواه او بوده است. ۴- املاك هرات و مروست و سرچهان (بلوك متصل به یزد) به مقدار دوست فدان. طبق مندرجات همان نامه املاکی بوده است که به شخم او مزروع شده و بر ربع رشیدی و مدرسه^{۱۷} هرات وقف شده بوده است.

موقعی که این مقاله تنظیم می شد از وجود اصل و قفنامه رشیدی بی اطلاع بودم. ولی اکنون که چاپ می شود و قفنامه به اختیار انجمن آثار ملی درآمده و قرار است که به صورت عکسی به چاپ برسد. اینجانب نیز قسمت یزد آنرا از روی نسخه^{۱۸} جدیدالتحریر کتابخانه^{۱۹} ملی ملک استنساخ کرده است و در مجله^{۲۰} فرهنگ ایران زمین جلد هفدهم به چاپ خواهد رسانید، و امید است که بتواند آن را با نسخه^{۲۱} اصل نیز به تطبیق برساند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

داماد یزدی رشیدالدین

رشید الدین کثیرالاولاد بود. یکی از دخترانش زن سید شمس الدین محمد پسر رکن الدین محمد بن نظام الحسینی متوفی در ۷۳۲ بود. این پدر و پسر همان کسانی اند که اکنون گورشان در یزد مزار و مطاف است و در عصر خود از بزرگان شهر و صاحب دستگاه و واقف خیرات و بانی ابنیه بسیار مهم بوده اند. و قفنامه^{۲۲} مفصل آنها به نام «جامع الخیرات» در دست است و چاپ شده است و در آن از رشیدالدین به عنوان «مخدوم» نام برده اند.

این سید رکن الدین مدرسه ای ساخت و مورد حسد اتابک یوسف شاه

«شاه یزد» واقع شد. پس بر او بهتان زدند و او را باعث قتل بازرگانی ترسائی دانستند که در آن ایام در یزد کشته شده بود. پس سید را گرفتند و در چاه خورمیز (از آبادیهای یزد) محبوس کردند. پسرش سید شمس الدین به وسایلی از یزد بگریخت و خود را به تبریز رسانید. این واقعه در وقتی بود که غیاث الدین محمد پسر رشیدالدین عهده دار وزارت بود. اوسید شمس الدین را نزد سلطان ابوسعید برد و نیابت عامهٔ ممالک و سمت قضا را بدو داد. هم یرلیغ صادر شد تا سید رکن الدین را خلاص کنند و بر مسند قضاوت یزد نشانند. چون سید شمس الدین در تبریز ماندگار شد به مناسبت علقه‌ای که به ولایت خود داشت نقشهٔ طرفه‌ای از مدرسه و دارالسیاده و چهار منار و خانقاه و بازار (یعنی محوطه‌ای دانشگاهی با وسایل لازم آن) از تبریز به یزد فرستاد و ساخته شد. چون سید در ۷۳۳ در تبریز فوت کرد او را به یزد نقل کردند و در مدرسهٔ خودش همانجا که امروز به شمسیه موسوم است دفن کردند. زنش که دختر رشیدالدین بود صندوقی از چوب آبنوس و صندل که متأسفانه از میان رفته است و نیز محرابی برای آنجا از مرمر سبز بساخت و به یزد فرستاد، محرابی که یادگاری زیبا از تبریز در شهر یزد و از نفایس بازمانده در آن بقعه نیمه ویران است.^{۱۸}

۴

عروس یزدی رشیدالدین

یکی از پسران رشیدالدین عبداللطیف نام داشت. بنا بر آنچه در مکاتبات یا سوانح الافکار رشیدی آمده (ضمن نامه‌ای که رشیدالدین به مجدالدین اسمعیل فالی نوشته، بمناسبت قصد داماد کردن بعضی فرزندان خود، از او خواسته بوده است که به تبریز برود) ترکان خاتون

دختر علاءالدین (که مراد علاءالدوله بن طغانشاه است) از اتابکان یزد را به زوجیت او نامزد کرده بود.^{۱۹}

۵

جامع «مجموعه الرشیدیه» و جامع «مکتوبات» یزدی بودند

مجموعه^{۲۰} «اسئله و اجوبه» که در «مجموعه الرشیدیه» آمده و به نام «توضیحات رشیدی» نیز شناخته شده است توسط دانشمندی یزدی به نام علی بن محمود بن محفوظ بن رئیس یزدی معروف به نظام جمع آوری و تدوین شده (نسخه^{۲۱} ایاصوفیا شماره^{۲۲} ۲۱۸۰ مورخ ۷۱۶ که آقای مینوی عکس گرفته اند)^{۲۳}. او همان شخصی است که نامه‌ای از او در لطائف الرشیدیه با عنوان «افضل ایران مفتی الممالک نظام الملة والدین ابن رئیس الیزدی» ضبط شده است. این شخص علی الظاهر با امین-الدین محمد بن محفوظ^{۲۴} و محفوظ بن محمد بن علی بانی مناری در مهریز^{۲۵} و علی بن محفوظ بن محمد متوفی در ۷۹۳ که سنگ قبرش در دیه خانقاه میبد موجود است^{۲۶} منسوب بوده است. متن منقور این دو سنگ را در کتاب «یادگارهای یزد» به چاپ رسانیده‌ام.

جامع مکتوبات رشیدی یزدی بوده است از ابرقو و ابرقو آن ایام جزء قلمرو یزد محسوب می شده است.

۶

سؤال و جوابی با محتسب یزد

در ضمن مجموعه^{۲۷} «لطائف الرشیدیه» که سؤال و جوابهای مختلف است صورت خط ملک الائمة والعلماء فخرالدین عبدالجلیل بن محمد بن احمد بن مظفر بن ابی العباس احمد بن ثابت محتسب یزد وجود دارد.

نیز در همین مجموعه نامه‌ای از صدرالدین یزدی دیده می‌شود که ندانستم کیست.

۷

دیوانی کردن املاک شرف الدین مظفر

دیوانی کردن املاک شرف الدین مظفر پدر محمد مظفر (سر سلسله آل مظفر) که بنا بر قول مؤلفان تاریخ یزد از علل مؤثر طغیان و قیام محمد مظفر بود از اعمال سیاسی مهم رشیدالدین در خاک یزد دست^{۲۴} اطلاعات مفیدی از آن قضیه در سخنرانی آقای حسین قلی ستوده مندرج بود و محتاج به تکرار نیست.

۸

آبادی فتح آباد و رشید آباد به دست برزیگران یزد

رشید الدین برای آبادان کردن فتح آباد و رشید آباد تبریز که ملک خودش بود از برزیگران یزد و گاووان آنها که در امر زراعت همواره شهرت داشته اند استفاده کرد. ابوالقاسم کاشانی در تاریخ اولجایتو بدین امر اشاره‌ای دارد و نوشته است:

« و نیز قریب سیصد سرگاو دیوهیکل عفاریت منظر با چند نفر گاو بنده^{۲۵} یزدی به تبریز آورده است تا جمله قاذورات و مستقبحات شهر بر پشت ایشان به باغ فتح آباد و رشید آباد و غیرهما کشند که فتح آباد به ایام سابق کوههای خشک بود و اکنون هر یک بهشتی آراسته به انهار و اشجار و انوار و اثمار پیراسته. . . »^{۲۵}

اطلاعاتی دربارهٔ یزد در آثار رشیدالدین

۱- از آثار مخصوص یزد سه هزار من برای مصارف سال مطالبه کرده است.^{۲۶}

۲- از پارچه‌های بافت یزد: والاد، تافته، بریشمین (که در نسخه چاپی بافته چاپ شده و قطعاً تافته است)، ایاذیه، شمسیه، عین البقر خود رنگ (ضمن ملتسمات از متصدیان امور خود در ممالک مختلف) نام برده است. از این راه نام چند نوع پارچه که نمی‌شناسیم برای ما محفوظ مانده است.

۳- از نوعی قیسی به نام پهلوانی که خاص یزد بوده است ضمن ملتسمات خود اسم برده و سیصدمن از آن خواسته بوده است.^{۲۷}

* * *

موقعی که موضوع این گفتار معین شد در تصورم نمی‌گنجید که مقاله خود را در نشستگاه صدارت و محیط زندگی رشیدالدین خواهم خواند، و این خود نشانی دیگر از ارتباط رشیدالدین بایزد از پس هفت قرن. بدین توضیح که یکی از افراد این مجلس علمی که به تجسس در احوال آن وزیر پرداخته است از مردم همان شهری است که اسیر چنگ رشیدالدین بود و بقول ابوالقاسم کاشانی در «تاریخ اولجایتو» سهم بزرگی از مال مستدرکات عالم که نصیب او می‌شد ازین شهر می‌آمد^{۲۸} و برزی گرانس آبادکننده کوه دامن تبریز.

(این خطابه در دانشگاه تبریز خوانده شده است)

یادداشتها

(۱) از متن وقفنامه او قسمتی کلی باقی و اکثر آن به خط و با اصلاحات خود رشیدالدین است. خوشبختانه در زمان انعقاد مجلس بحث علمی در تبریز نسخه دیده شد. در آن زمان نسخه در تصرف خاندان ذکاءالدوله سراج میربود و همان نسخه است که محمود عرفان حدود بیست و پنج سال قبل در یادنامه دینشاه ایرانی (بمبئی، ۱۹۴) آن را معرفی کرد. نسخه‌ای است اصیل و بسیار ممتاز و گرانبها، و اکنون در اختیار انجمن آثار ملی است. سوادى از این وقفنامه در کتابخانه ملی ملک (تهران) موجود است که به دستور محمدعلی تربیت استتساخ شده است، علی‌الظاهر از روی همان نسخه اصل. باری درین وقفنامه که نامش «الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرایط امور الوقف والمصارف» و مقدار موجود از آن ۲۴۶ ورق است مقدار ۳۶ ورق منحصرست به وصف قرا و املاک و رقباتی که در یزد از طرف رشیدالدین وقف شده بوده است.

(۲) تاریخ جدید یزد ۱۳۴، تاریخ یزد ۹۲.

(۳) از ضیاءالدین حسین فرزند شرف‌الدین علی یادگاری بردیوار قدمگاه

فراشا (نزدیک تفت یزد) به خط تعلیق و با مرکب دیده‌ام که مورخ سال ۶۹۶ هجری است. رجوع به کتاب بن به نام «یادگارهای یزد»، ص ۳۸۶.

(۴) محمود عرفان در مقاله «بزرگترین بنیاد خیر در ایران» مندرج در یادنامه

دینشاه ایرانی که در جزوه «رشیدالدین فضل‌الله همدانی» به مناسبت مجلس علمی و تحقیقی (تهران، ۱۳۴۸) تجدید طبع شده است برای اول بار باین موضوع اشاره کرده است.

(۵) تاریخ یزد ۹۲ - تاریخ جدید یزد ۱۳۴.

(۶) تاریخ جدید یزد، ۹۹.

(۷) جامع‌الخیرات صفحات ۱۵، ۱۶، ۱۷.

(۸) تاریخ یزد، ۱۵۰.

(۹) تاریخ یزد ۹۲ - تاریخ جدید یزد ۱۳۴ - جامع مفیدی ۳: ۱۴۸.

(۱۰) تاریخ یزد، ص ۹۲ - تاریخ جدید یزد، ۱۳۴ - جامع مفیدی ۳: ۱۴۸.

(۱۱) جامع مفیدی ۳: ۱۸۹.

(۱۲) جامع‌الخیرات، ۶۵.

(۱۳) تاریخ جدید یزد، ۱۳۵.

- (۱۴) جامع مفیدی ۳: ۱۴۹ .
- (۱۵) مکاتبات رشیدی ، ۱۳۲ .
- (۱۶) مکاتبات رشیدی ، ۲۵۶ .
- (۱۷) مکاتبات رشیدی ، ۱۳۰ .
- (۱۸) تاریخ یزد ۸۱-۸۹ - تاریخ جدید یزد ۱۲۲-۱۳۵ .
- (۱۹) مکاتبات رشیدی ص ۱۲۸ .
- (۲۰) فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه (میکروفیلم شماره ۳۷۹) .
- (۲۱) جامع الخیرات ۱۷۹، ۶۵ .
- (۲۲) یادگارهای یزد ۲۳۰ .
- (۲۳) یادگارهای یزد، ۱۰۲ .
- (۲۴) تاریخ یزد ۳۱- تاریخ جدید یزد ۸۱ - جامع مفیدی ۱: ۱۱۷ .
- (۲۵) تاریخ اولجایتو ۱۱۶ . (این اطلاع را آقای دکتر عباس زریاب خویی لطف کرده اند .)
- (۲۶) مکاتبات رشیدی، ص ۱۹۸ .
- (۲۷) مکاتبات رشیدی ص ۱۹۰ .
- (۲۸) ابوالقاسم کاشانی که مدتی از اتباع دستگاه رشیدالدین بود و بعدها بغض و عداوت نسبت به او پیدا کرد در «تاریخ الجایتو» اطلاعی قابل شنیدن در باب مقدار عایدی رشیدالدین می دهد. نص آن چنین است:
- «... پادشاه را معلوم و مقرر شد که از مال مستدرکات عالم ربعی رشید می برد به چند وجه از حق تقریر که وجوه نقد رایج آن است و از مال اوقاف غازانی و از مال شهر یزد چندین و از مال خاتون چندین و از انعام پادشاه جایزه جامع التواریخ هشت تومان هر سال از بغداد و تبریز که قسم من است ثلثی از مستدرکات و محصولات آنجا به رشید عاید می شود به غیر رشوت و خدمتی که روز به روز از اعمال می گیرد بی حصر و عدد...» (ص ۱۹۶-۱۹۷)